

بررسی جامعه شناختی تأثیر نابرابری نسلی بر بیکاری جوانان

احسان شریعت
دانشجوی کارشناسی ارشد
جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی
واحد بابل

در این مقاله به نابرابری و ارتباط آن با بیکاری نسل جوان پرداخته می‌شود. نسل جوان امروز در نسبت با نسل‌های گذشته از نوعی نابرابری زمانی و نسلی رنج می‌برد. این نابرابری در کسب شغل و عرصه‌ی اشتغال خود را نشان داده است. جوانان امروز علی‌رغم تحصیلات بیشتر به پست‌ها و مشاغل مرکزی و بخش متشکل اشتغال دسترسی کمتری دارند. بیکاری شدید سال‌های اخیر موجب شده است جوانان علی‌رغم تحصیلات عالی به مشاغل نیمه وقت و کم‌اهمیت با درآمد پائین و تأمین شغلی کم روی آورند. با توجه به موضوع تحقیق در مبنای نظری از نظریات مارکس، وبر، دارندورف، پارکین و بوردیو استفاده شد و نظریه بوردیو به عنوان چارچوب نظری انتخاب گردید. روش بررسی میدانی و تحلیل ثانویه بوده و ابزار تحقیق پرسشنامه می‌باشد. جامعه آماری تحقیق، جوانان ۲۰ تا ۳۴ ساله شاغل در بخش‌های دوم اقتصادی در شهرستان قائم شهر است. روش نمونه‌گیری در مورد مدرسان آموزشگاه‌ها تصادفی، و در مورد امور دفتری و کارگران مغازه، از نمونه‌گیری غیر تصادفی استفاده شد. یافته‌های تحقیق از این قرار است که افراد شاغل در این بخش حقوق و دستمزد بسیار کمی دارند، تأمین شغلی ندارند، بیمه نبوده، و هیچ‌گونه قوانین و مقرراتی از آنان حمایت نمی‌کند. از این رو شرایط ازدواج و تشکیل خانواده برای آنان بسیار دشوار است. نتیجه آن که بر طبق نظر بوردیو شکاف نسلی میان دو نسل، حاصل توزیع نابرابر منابع و سرمایه‌ها بین دو یا چند نسل است. نسل جوان امروز در نسبت با نسل جوان دهه ۵۰ و ۶۰ شمسی به منابع و سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی از قبیل مشاغل بخش اول، پست‌ها و مشاغل بااهمیت، بازار و ... دسترسی کمتری دارد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشگاه علوم انسانی

واژگان کلیدی: نابرابری، جوانان، بیکاری، مشاغل بخش دوم، شکاف نسلی

مقدمه

مقوله بیکاری در شکل امروزی آن پدیده‌ای است مدرن که به قرون جدید و جامعه صنعتی تعلق دارد، چه در جوامع قدیم نظام اقتصادی بیشتر بر پایه کشاورزی می‌گشت و در چنین جامعه‌ای بیکاری معنایی نداشت. هر کس بر روی زمین خود کار می‌کرد و در ایام عدم کشت و توقف کشاورزی فرد بیکار محسوب نمی‌شد. اگر از منظر تاریخی نگریسته شود نابرابری در احراز مشاغل از قدیم الایام وجود داشته است که خود تابع متغیرهای مهمی همچون طبقه‌ی اجتماعی، نژاد، قومیت، جنسیت و غیره بوده است. افراد طبقات پایین در حکومت‌سازان نمی‌توانستند درس بخوانند و طبیعتاً از گرفتن پست‌ها و مشاغل دیوانی و حکومتی محروم می‌ماندند. بسیاری از مشاغل به روی زنان بسته بود. در جامعه‌ای که در آن آپارتاید وجود داشت بسیاری از مشاغل به روی سیاهان بسته بود. در بسیاری از جوامع برخی اصناف و مشاغل در طول زمان در انحصار قوم و نژاد مختلفی قرار می‌گیرد. هر کس از این قوم و نژاد وارد این صنف شود مورد حمایت قرار می‌گیرد و هر کس دیگری از قوم و نژادی دیگر چنانچه وارد این صنف گردد آن اندازه چوب لای چرخش می‌گذارند تا بگذارد و برود. نابرابری در احراز مشاغل از گذشته تاکنون بوده است، اما شکل نوین این نابرابری در عرصه اشتغال پدیده‌ای مدرن است که در این مقاله بدان پرداخته می‌شود.

طرح مسأله

مبانی نظری

نظر مارکس

مارکس نابرابری اجتماعی را به مزاد ثروت و کنترل دارایی‌ها مرتبط می‌داند. به زعم وی همیشه در طول تاریخ عده‌ای مالک و توده عظیم دیگر غیر مالک بوده‌اند. این وضعیت همیشگی در تمامی نظام‌های اجتماعی رایج بوده است. شباهت تمام این نظام‌های اجتماعی در آن بوده است که «در تمام موارد مهم‌ترین تفاوت بین آن عده‌ای است که مالک و کنترل‌کننده دارایی‌اند و آن عده‌ای که مالک و کنترل‌کننده دارایی نیستند. در اینجا دارایی نه فقط به اموال شخصی ساده بلکه به منابعی که می‌توان به کمک آن چیزهای باارزش تولید کرد و ثروت اندوخت اطلاق می‌شود، ثروتی که شامل ملک و خانه‌های استیجاری و ماشین‌آلات کارخانه و دیگر اقلام مشابه است» (گرب، ۱۳۸۱: ۲۹-۳۰). این کنترل دارایی در نظام فئودالیسم زمین، و در نظام سرمایه‌داری ماشین‌آلات صنعتی و ابزار تولید است. طبقه مالک همیشه طبقه حاکم بوده و طبقات ستمدیده را مورد ستم و بهره‌کشی قرار می‌داده است. این طبقه حاکم حتی نحوه تفکر انسان‌ها را نیز تعیین می‌کرده است. «افکار طبقه حاکم در هر عصری افکار حاکم بر کل جامعه‌اند؛ یعنی طبقه‌ای که نیروی مادی مسلط بر جامعه است، در ضمن نیروی فکری مسلط آن نیز به شمار می‌آید. طبقه‌ای که ابزارهای تولید مادی را به دست دارد، بر ابزارهای تولید ذهنی نیز تسلط دارد» (کوزر، ۱۳۸۸: ۸۰). به نظر مارکس این دوگانگی طبقاتی در نظام سرمایه‌داری به وسیله آگاهی طبقاتی‌ای که طبقه کارگر (که مالک ابزار تولید نیست) بدان دست می‌یازد، به نزاع و مبارزه طبقاتی می‌انجامد و سرانجام طبقه کارگر در طی انقلابی خونین طبقه سرمایه‌دار را سرنگون ساخته و جامعه‌ای کمونیستی را مستقر می‌سازد که در آن همه اعضای جامعه مالک ابزار تولیدند و اصل دستمزد برابر در مقابل کار برابر در آن اعمال می‌شود. «انتقال مالکیت ابزار تولید از فرد به جامعه موجب می‌شود که اکثریت مردم، صرف نظر از منشأ خانوادگی، پایگاه اجتماعی و اعتقادات دینی و غیره در موقعیت برابر قرار گیرند. سوسیالیسم، نابرابری بر مبنای جنس و نژاد را از میان می‌برد و با پشتیبانی دولت حقوق اجتماعی برابر را برای همه افراد تأمین می‌کند» (ملک، ۱۳۸۶: ۹۶).

نظر وبر

نظریه نابرابری در نظر دیگر اندیشمندان اجتماعی بی‌شباهت به نظر مارکس نیست. ماکس وبر نیز همچون مارکس به نابرابری اجتماعی به مثابه یک امر اقتصادی و در چارچوب بررسی طبقه‌ها می‌نگرد. ولیکن وبر به جای تأکید بر نابرابری در مالکیت ابزار تولید به نابرابری در امر توزیع می‌پردازد. مارکس طبقات را در ارتباط با دوگانگی در مالکیت ابزار تولید تعریف می‌کرد اما وبر برخلاف مارکس طبقه را تنها به سان مالکیت ابزار تولید تعریف نمی‌کرد. «تأکید عمده او در ارائه تعریفی از طبقه، به نظر می‌رسد که بر توزیع اشیاء باارزش و بنیان‌هایی بوده است که بر اساس آن این توزیع به صورت نابرابر انجام می‌گیرد» (گرب، ۱۳۸۱: ۷۲). در تحلیل وبر از طبقه موقعیت در بازار

نابرابری اجتماعی بر طبق نظر اکثر اندیشمندان مسأله‌ای ساختاری است که در تاروپود بنیان‌های اجتماعی ریشه دوانیده است. به همین سبب در باب یافتن علل آن می‌بایست در بررسی علمی نگاه پدیدارشناسانه را ضمیمه مشاهده علمی ساخت تا به پشت پرده واقعیت‌های اجتماعی دست یافت. علت‌های بیکاری را می‌توان در مشاهده‌ای پدیدارشناسانه در ارتباط با ساخت‌های نابرابر اجتماعی یافت. نابرابری اجتماعی به دو صورت ساختار گرفته است. اول در بعد زمانی و دوم بعد مکانی، در بعد زمانی نابرابری میان دو یا چند نسل به وجود می‌آید و یک نسل از منابع و فرصت‌هایی برخوردار می‌شود که نسل دیگر به آن منابع و فرصت‌ها دسترسی ندارد. در بعد مکانی نابرابری میان مناطق گوناگون یک جامعه به وجود می‌آید. نابرابری میان شهر و روستا، نابرابری میان دو یا چند شهر و یا نابرابری میان استان‌ها، در سال‌های پس از انقلاب مسأله بیکاری تقریباً همیشه وجود داشته است. اما در دهه‌های ۷۰ و به ویژه دهه ۸۰ شمسی در سال‌های کنونی افزون‌گشته و با ورود هرم جمعیتی جوان به سنین اشتغال به بحرانی ملی تبدیل گشته است. متولدین ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ که بالاترین نرخ رشد جمعیت در تاریخ ایران بوده است (یعنی ۳.۹ درصد در هر سال) در سال‌های کنونی پس از طی دوران تحصیل در مدارس و بخش اعظم آنان تحصیل در دانشگاه و تحصیلات تکمیلی به نقطه‌ای اشتغال رسیده و خواستار شغل می‌باشند. این نسل انبوه که در طی چند سال به سن اشتغال رسیده نسبت به نسل‌های گذشته که در سال‌های دهه ۵۰ و ۶۰ شمسی در سن اشتغال بوده و به سر کار رفته، از بیکاری شدیدی رنج می‌برد. اولاً نسل جوان امروز که از بیکاری رنج می‌برد نسبت به نسل‌های گذشته که در مسأله اشتغال رنج بسیار کمتری متحمل گشته است، احساس نابرابری کرده و رشک می‌ورزد. دوماً نسل جوان امروز به دلیل کمبود مشاغل رسمی، حتی با توجه به تحصیلات دانشگاهی، مجبور است به مشاغل غیررسمی، موقت و با تأمین شغلی پایین و درآمد کمتر روی آورد که این خود به احساس نابرابری دامن می‌زند. «این نیروها برای امرار معاش ناچار از روی آوردن به شبه‌مشاغلی می‌شوند که نه تنها در اقتصاد کشور نقش مولد و مثبتی ایفا نمی‌کنند، بلکه در بسیاری از موارد کیفیت این مشاغل نیز مورد سوال است. مشاغل فصلی و غیردائم، مشاغل پاره‌وقت و مشاغل غیر متشکل نمونه‌های بارزی از این گونه مشاغل است که در واقع بیکاری پنهان هستند» (توسلی، ۱۳۸۵: ۲۲۷). در همین زمینه وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی اعلام کرد، «نرخ بیکاری در فارغ‌التحصیلان دانشگاهی ده برابر نرخ بیکاری در دارندگان مدرک دیپلم و پایین‌تر است» (هفته‌نامه فارغ‌التحصیلان، ۳ مهر ۱۳۹۰). از این رو با توجه به محدوده تحقیق یعنی جوانان شهرستان قائم‌شهر سوالات اصلی تحقیق از این رو می‌باشد:

۱- آیا در شهرستان قائم‌شهر، نابرابری نسلی در زمینه اشتغال وجود دارد؟

۲- آیا نابرابری نسلی، علت بیکاری جوانان است؟

عامل تعیین کننده است. موقعیتی که به افراد اجازه می دهد بر اساس میزان دارائی شان در بازار عمل کنند. «نوع فرصت موجود در بازار عامل تعیین کننده ای است که وضعیت عمومی سرنوشت های فردی را آشکار می سازد. در این معنا موقعیت طبقاتی در نهایت همان موقعیت بازار است» (ویر، ۱۳۸۷: ۲۰۹). «بنیادی ترین واقعیت اقتصادی این است که نحوه توزیع تسلط بر دارایی های مادی در میان گروهی از افراد که به قصد مبادله، در بازار با یکدیگر رقابت می کنند، به خودی خود فرصتهای خاصی در زندگی ایجاد می کند» (همان: ۲۰۸).

دارندورف

نظریه نابرابری در اندیشه دارندورف به صورت توزیع نابرابر اقتدار بروز می یابد. دارندورف اقتدار را چنین تعریف می کند: «اتوریته عبارت است از شانس و موقعیتی مبتنی بر نظامی خاص با محتوای معین که باعث اطاعت گروهی از مردم می گردد و بدین ترتیب اقتدار از قدرت متمایز می شود» (روشه، ۱۳۷۲: ۱۲۳). به نظر وی تفاوت مهمی میان توزیع ثروت و توزیع اقتدار وجود دارد. در توزیع نامساوی ثروت بعضی بیشتر و بعضی کمتر سهم می برند، اما در توزیع نامساوی اقتدار عده ای از آن بهره ور و بقیه کاملاً فاقد آنند. «بر اساس نظریات دارندورف، اقتدار در تمامی جوامع انسانی وجود دارد و لزوماً خود جزئی از بافت سازمان اجتماعی است» (همان: ۱۲۴).

فرانک پارکین

پارکین در کوششی نو وبری روابط مبتنی بر قدرت را عامل اصلی در ایجاد نابرابری اجتماعی می داند. به زعم او «ساختار کلی نابرابری در جامعه از مبارزه کلی و همیشگی بر سر قدرت سرچشمه می گیرد» (گرب، ۱۳۸۱: ۱۹۵). پارکین که اشکال دیگر شکاف طبقاتی به غیر از شکاف بورژوا - پرولتر را در جامعه تشخیص داد «به فرایندهای مختلفی اشاره دارد که برخی گروه بندی های اجتماعی، دیگران را از دستیابی به منابع و فرصت ها محروم می سازند. از نقطه نظر او قدرت واقعاً صفت ذاتی هر گونه انسداد اجتماعی است و بر میزان دستیابی فرد به منابع و فرصت ها دلالت می کند» (همان).

نظریه تضاد نسلی بوردیو (چارچوب نظری)

نابرابری نسلی و زمانی در صورت عمیق شدن و تداوم به شکاف و تضاد نسلی تبدیل می شود. بر اساس نظریه شکاف نسلی بوردیو «توزیع نابرابر سرمایه های مختلف، به ویژه در حوزه قدرت و ثروت، بین نسل ها در میدان های مختلف است که سر منشأ تعارضات مشاهده شده دیگر از جمله تعارضات فرهنگی میان آنهاست» (توکل و قاضی نژاد، ۱۳۸۵: ۱۱۸). شغل به عنوان یکی از مهم ترین متغیرهای منزلت اجتماعی در جوامع جدید وقتی به صورت نابرابر میان نسل ها تقسیم شود موجبات تعارضات و تضادهای نسلی را فراهم می آورد. «تضاد نسل ها در اصل نتیجه توزیع نامتعادل در حوزه ثروت و قدرت و انحصار منابع و سرمایه های مختلف مادی و نمادین (پست ها، عناوین، مدارک، کنترل های فرهنگی و اخلاقی و غیره) در دست نسل در صحنه می باشد» (همان: ۱۲۲). «در نتیجه جوانان در حوزه اشتغال که در

واقع نهادی «سن محور» است دچار تبعیض مضاعف به خاطر تفاوت در آموزش و نیز جوان بودن می شوند. از این رو به عقیده بوردیو، یک نوع «کیفیت زدایی ساختاری نسل» در نهادها و ساختارهای اجتماعی جوامع فعلی وجود دارد؛ یعنی در این سیستم ها، جوان بودن فرد به طور ساختاری کیفیت کار وی را نیز پائین می آورد» (همان: ۱۱۵). «بدین ترتیب بوردیو با ساختگی خواندن تقسیم بندی میان پیر و جوان، برقرار ساختن مرز و محدودیت بر اساس سن را جریانی اجتماعی دانسته که به بزرگسالان هر جامعه، فرصت انحصار قدرت و ثروت و سلطه بر جوان ترها را در حوزه های مختلف، اعم از آموزش، هنر، سیاست، و غیره، و بر مبنای قوانین و ساختارهای درونی حاکم بر هر حوزه می دهد» (همان: ۱۱۷).

نظریه های اشتغال:

نظریه تقطیع بازار کار

این دسته از نظریات بازار کار را قشر بندی شده یا پاره پاره می دانند که به وسیله منافع نهادی صورت گرفته است. مطابق با این نظریه، در بازار کار دوگانه دو نوع شغل را می توان تشخیص داد: مشاغل اولیه و مشاغل ثانویه، مشاغل ثانویه با مزد کم و بدون امنیت و امکان پیشرفت، مشاغل اولیه با مزد زیاد و امکان پیشرفت زیاد، به عنوان مثال علی رغم توانایی و مهارت برابر به هنگام استخدام، مردان که بیشتر ثابت در نظر گرفته می شوند بیش از زنان شانس دارند که در مشاغل اولیه استخدام شوند (باقری، ۱۳۸۲: ۱۰).

فرضیات تحقیق

۱- به نظر می رسد در جامعه ما نابرابری نسلی در زمینه اشتغال وجود دارد.

۲- نابرابری نسلی، اصلی ترین علت بیکاری جوانان است.

روش پژوهش

روش بررسی در این تحقیق میدانی، اسنادی و تحلیل ثانویه و از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق، جوانان ۲۰ تا ۳۴ ساله شاغل در بخش های دوم اقتصادی در شهرستان قائم شهر است. در مورد مدرسان آموزشگاه ها بر اساس فهرست آموزشگاه های خصوصی سال ۸۹ اداره آموزش و پرورش عمل شد. در این فهرست در سال ۸۹ در شهرستان قائم شهر ۳۲ آموزشگاه وجود دارد که از این میان ۲۳ آموزشگاه مربوط به آموزشگاه زبان می باشد. از این تعداد آموزشگاه نمونه گیری تصادفی انجام شده و مدرسان انتخاب شدند. اما در مورد امور دفتری و کارگران مغازه، به دلیل عدم وجود چارچوب نمونه گیری و فهرست نمونه، نمونه گیری تصادفی غیرممکن می باشد، به همین سبب از نمونه گیری غیرتصادفی استفاده شد.

تعریف مفاهیم

تعریف نابرابری: «نابرابری اجتماعی به تفاوت هایی میان افراد (یا جایگاه هایی که به صورت اجتماعی تعریف شده است و آنها را اشغال کرده اند) اشاره می کند، که بر نحوه ی زندگی آنها، خاصه بر حقوق و فرصت ها و پاداش ها و امتیازاتی که از آن برخوردارند، تأثیر دارد» (گرب، ۱۳۸۱: ۱۰).

«اسملمس نابرابری اجتماعی را چنین تعریف می کند: وجود تفاوت های دایمی و منظم در قدرت خرید کالاها، خدمات و امتیازات میان گروه های معینی از مردم که شاخص آن نابرابری در دادن پاداش به کار است» (ملک، ۱۳۸۶: ۹۱).
تعریف کار: «کار وسیله ای است برای دسترسی به منابعی که با آن بتوان نیازهای اساسی را برطرف کرد. در جوامع پیچیده جدید در بیشتر خانواده ها، دست کم یک نفر از اعضای خانواده از طریق شغل خود به این منبع دست می یابد» (توکلی خمینی، ۱۳۸۵: ۹۸).

«کار فعالیتی است که به وسیله ی آن انسان ها از طبیعت بهره می گیرند و بقای خود را تأمین می کنند» (همان).
«کار مجموعه اعمالی است که انسان به کمک مغز، دست، ابزار و ماشین ها برای استفاده ی عملی از ماده روی آن انجام می دهد و این اعمال نیز متقابلاً بر انسان اثر می گذارد و او را تغییر می دهد» (توسلی، ۱۳۸۵: ۱۰).
تعریف شغل: «شغل یا اشتغال ترتیبی است قراردادی به منظور کار کردن برای دیگری، کارفرما یا استخدام کننده» (توکلی خمینی، ۱۳۸۵: ۹۹).

تعریف بیکاری: «هنگامی که شخص برای گذراندن زندگی نیاز به شغلی با درآمد مناسب دارد، و از لحاظ روحی و جسمی و سنی در وضعیتی به سر می برد که در یکی از رشته های تولیدی یا خدماتی می تواند کارایی داشته باشد، اما رکود اقتصادی یا توزیع نامناسب درآمدها و مشاغل و عوامل دیگری از این قبیل او را از بازار کار رانده است، آن شخص دچار بیکاری است» (همان: ۱۰۸).

تعریف بیکار: «کسانی که شاغل به حساب نمی آیند و در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری در جستجوی کار بوده اند، بیکار (جویای کار) تلقی می شوند» (جهانفر، ۱۳۸۶: ۱۲۵).

تعریف جمعیت فعال: «منظور از جمعیت بالقوه فعال (که گاه به اختصار جمعیت فعال نامیده می شود) همان گروه در سن فعالیت، یعنی مجموعه گروههای سنی بین ۱۵ تا ۶۴ سال است» (توسلی، ۱۳۸۵: ۱۹۸).

تعریف مزد: «مزد عبارت است از آنچه در ازای کار انجام شده به فرد پرداخت می شود» (توکلی خمینی، ۱۳۸۵: ۱۸۴).
تعریف بهره کشی: «به تفاوت ارزش کار و دستمزد بهره کشی می گویند» (همان: ۸). کسی که مورد بهره کشی واقع می شود به ازای کاری که انجام می دهد مزد دریافت نمی کند.

تعریف مشاغل بخش دوم (حوزه پیرامونی یا بخش غیرمتشکل اشتغال): مشاغل نیمه وقت یا پاره وقت با درآمد کم که کمتر از میزان تعیین شده برای حقوق ماهیانه کارگر توسط شورای عالی کار (یعنی ۳۳۰۳۰۰ تومان در سال ۱۳۹۰) است. در این گونه مشاغل تأمین شغلی همچون بیمه بسیار کم بوده و این گونه مشاغل تحت نظر هیچ گونه سازمان رسمی یا قوانین نیستند.

یافته ها

«منظور از نسل در جمعیت شناسی، تعداد افرادی است که در طول یک سال معین به دنیا آمده اند» (تمنا، ۱۳۸۶: ۸۸). اما معمولاً در جامعه شناسی، نسل به تعداد افرادی گفته می شود که در طول یک دوره معین تجربیات اجتماعی تقریباً مشابهی را از سر گذرانده اند. به عنوان مثال نسل انقلاب یا جنگ. در همین زمینه مانهایم می گوید: «واقعیت تعلق داشتن به یک طبقه و یک نسل و یا یک گروه سنی، به افراد متعلق به این مقولات، موقعیت مشترکی در فراگرد تاریخی و اجتماعی می دهد، پهنه ی تجربه ی بالقوه آنها را به یک صورت خاصی محدود می سازد و آن ها را به یک شیوه فکری و تجربه خاص و یک نوع کنش تاریخی ویژه این موقعیت متمایل می گرداند» (کوزر، ۱۳۸۸: ۵۶۹).
نابرابری نسلی، امروز به صورت نابرابری در اشغال جایگاه های شغلی نمود پیدا کرده است. بر طبق نظریه تقطیع بازار کار، در اقتصاد معمولاً از دو حوزه نام برده می شود. (۱) حوزه مرکزی اقتصاد و (۲) حوزه پیرامونی اقتصاد. حوزه مرکزی اقتصاد یا بخش متشکل یا بخش اول دارای ویژگی هایی همچون مشاغل تمام وقت، درآمد نسبتاً بالا، تأمین شغلی بلندمدت و ... است. حوزه پیرامونی یا بخش غیر متشکل اشتغال یا بخش دوم ویژگی هایی همچون مشاغل نیمه وقت، درآمد پائین، عدم تأمین شغلی و ... را داراست.

جدول شماره ۱: مقایسه بخش اول و دوم اقتصادی

بخش اول (حوزه مرکزی اقتصاد یا بخش متشکل اشتغال)	بخش دوم (حوزه پیرامونی اقتصاد یا بخش غیر متشکل اشتغال)
مشاغل تمام وقت درآمد نسبتاً بالا تأمین شغلی درازمدت وجود سازمان های حمایت کننده وجود قوانین حمایت کننده	مشاغل نیمه وقت یا پاره وقت درآمد پائین عدم تأمین شغلی عدم وجود سازمان های حمایت کننده عدم وجود قوانین حمایت کننده

در سالیان کنونی به دلیل کمبود وجود مشاغل رسمی و بخش متشکل، نسل جوان تحصیلکرده به ناچار به بخش های غیررسمی و پیرامونی و غیرمتشکل روی می آورد که این مسأله احساس نابرابری شدیدی در بین جوانان به وجود آورده است. حتی در بین خود نسل جوان امروز افراد کمتری که در بخش رسمی و متشکل شاغل هستند مورد رشک واقع می شوند و احساس نابرابری شدید نسبت به ایشان از جانب کسانی که در بخش پیرامونی و غیررسمی شاغل اند وجود دارد. از این رو در مقاله حاضر، مسأله اصلی تحقیق در باب اشتغال در بخش های پیرامونی و غیرمتشکل اقتصادی می باشد. به همین دلیل فرضیه اصلی این است که عدم جذابیت بخش های پیرامونی و مشاغل بخش دوم اصلی ترین علت بیکاری جوانان است. این عدم جذابیت همه ویژگی های این بخش از حقوق و دستمزد پایین گرفته تا عدم تأمین شغلی را ناشی می شود. از طرف دیگر مسأله این است که امروزه در جامعه ایران بسیاری از مشاغل به دلیل عدم وجود قوانین سخت و سخت، تبدیل به مشاغل دوم و پیرامونی شده است. از مدرس حق التدریسی یک آموزشگاه گرفته تا کارگر ساده یک مغازه. این مشاغل هیچ فرقی از لحاظ میزان کار با مشاغل بخش اول ندارند. چه بسا فردی تحصیلکرده در مغازه یا فروشگاه کارگر است و ۷ روز هفته از صبح تا شب در آنجا کار می کند. ولیکن ماهی ۱۰۰ هزار تومان حقوق می گیرد و هیچ گونه تأمین شغلی ندارد. اما فردی دیگر که در بخش اول کار می کند، ماهی ۵۰۰ هزار یا بیشتر حقوق می گیرد و تأمین شغلی نیز دارد. مشاغل بخش دوم هیچ گونه تأمین شغلی ندارند. در قانون حق بیمه آمده است: «میزان حق بیمه ۳۰ درصد مزد یا حقوق بیمه شده که پرداخت ۷ درصد آن به عهده بیمه شده، ۲۰ درصد به عهده کارفرما و ۳ درصد سهم دولت است» (آراسته خو، ۱۳۸۶: ۱۹۵). اکثر کارفرماها از بیمه کردن کارکنان خود در بخش دوم طفره می روند. در تحقیقی که در شهرستان قائم شهر از مشاغل گوناگون بخش دوم انجام شد ۷۲٫۴ درصد مشاغل در بخش دوم بدون بیمه هستند و کارکنان آن بیمه نشده اند.

افراد شاغل در بخش دوم به دلیل نبود قوانین حمایت کننده همچون مومی در دست کارفرمایانند و به سادگی می شود با آنان به هر گونه برخورد کرد. آنان بیکارند و برای فرار از بیکاری به هر شغل خرده پایی تن در می دهند. این ارتش ذخیره کار هیچ گونه تشکلی نداشته و به سان لشکری شکست خورده پخش و ذره ذره می باشد. همه این شرایط موجب می شود آنان حتی با وجود تحصیلات دانشگاهی از لحاظ منزلت و درآمد شغلی در سطح پائینی حضور داشته باشند. «در بخش غیرمتشکل و کارگاه های کوچک غالباً صاحبان سرمایه و کارخانه های بزرگ از کارگران خرده پا بهره کشی می کنند» (توسلی، ۱۳۸۵: ۲۵۴). عدم پرداخت کامل از نیروی کار در تمامی قسمت های بخش دوم مشاهده می شود زیرا در تحقیق در بخش دوم در شهرستان قائم شهر مشاهده گشت با توجه به ساعت کاری و تحصیلات و منزلت اجتماعی کارگران و شاغلان در بخش دوم، آنها حقوق و دستمزد بسیار کمی دریافت می دارند؛ (حتی پائین تر از کمترین میزان حقوق یک کارگر که طبق قانون کار ۳۳۰۳۰۰ تومان در ماه تعیین شده است).

جدول شماره ۲: درصد میزان رضایت کارکنان شاغل در بخش دوم به تفکیک جنسیت

میزان رضایت					جنسیت
جمع	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	
۵۴٫۳ درصد	۸٫۹ درصد	۱۰٫۷ درصد	۲۴٫۶ درصد	۱۰٫۱ درصد	زن
۴۵٫۷ درصد	۲۰٫۴ درصد	۱۳٫۳ درصد	۸٫۳ درصد	۳٫۷ درصد	مرد
۱۰۰ درصد	۲۹٫۳ درصد	۲۴ درصد	۳۲٫۹ درصد	۱۳٫۸ درصد	جمع

جدول شماره ۳: وضعیت حقوق، بیمه و ساعت کار کارکنان شاغل در بخش دوم به تفکیک انواع شغل

میانگین ساعت کار (در هفته)	درصد بیمه شدگان	میانگین حقوق (در ماه)	
۲۸	۸٫۳ درصد	۲۲۴ هزار تومان	مدرس آموزشگاه
۵۲	۵٫۵ درصد	۲۱۰ هزار تومان	امور دفتری (منشی، تایپیست و ...)
۶۰	۱۳٫۸ درصد	۲۱۹ هزار تومان	کارگر مغازه (فروشنده، شاگرد و ...)
۵۰	۲۷٫۶ درصد	۲۱۷٫۶ هزار تومان	جمع

جدول شماره ۴: درصد میزان تحصیلات به تفکیک انواع شغل در کارکنان شاغل در بخش دوم

سطح تحصیلات					مدرس آموزشگاه
فوق لیسانس	لیسانس	فوق دیپلم	دیپلم	زیر دیپلم	
۸٫۳ درصد	۱۹٫۴ درصد	۰ درصد	۰ درصد	۰ درصد	مدرس آموزشگاه
۰ درصد	۱۳٫۹ درصد	۲٫۸ درصد	۲٫۸ درصد	۰ درصد	امور دفتری (منشی، تایپیست و ...)
۰ درصد	۵٫۶ درصد	۱۱٫۱ درصد	۳۳٫۳ درصد	۲٫۸ درصد	کارگر مغازه (فروشنده، شاگرد و ...)
۸٫۳ درصد	۳۸٫۹ درصد	۱۳٫۹ درصد	۳۶٫۱ درصد	۲٫۸ درصد	جمع

با توجه به جداول فوق ناگفته پیداست میزان رضایت مردان شاغل در بخش دوم اقتصادی بسیار پائین تر از میزان زنان شاغل در این بخش است. جدول شماره ۳ نشان می دهد حتی با آن که ساعت کار افراد شاغل در بخش دوم بیشتر از وضعیت نرمال آن است، اما تنها ۲۷,۶ درصد ایشان بیمه می باشند. جدول ۴ نمایانگر وضعیت تحصیلی این افراد است. بیش از نیمی از این افراد دارای مدارک دانشگاهی می باشند.

افراد شاغل در بخش دوم به دلیل درآمد کم (پائین تر از حد معمول) قادر به تشکیل خانواده و ازدواج نیستند. مردان شاغل در بخش دوم تقریباً شانس کمی برای ازدواج دارند، چه، درآمد آنها بسیار کم است. «در حقیقت طبیعت جهان سوم، خاصه کشورهای مسلمان چنان است که زن اگر کار نکند مشکل ایجاد نمی شود و ممکن است متقابلاً در خانه با کار داخلی به سایر اعضا کمک کند. اما اگر مرد کار نکند، نه تنها معاش چند تن از اعضای خانواده مختل می شود، بلکه زن نیز که در اکثر موارد به مرد وابسته است دچار مضیقه می شود و کمتر اتفاق می افتد که کارهای خانگی که به زن سپرده می شود به زن سپرده شود. بنابراین، موضوع بیکاری مردان به خصوص پس از ازدواج اهمیت ویژه ای دارد و چنان چه مرد در این سن کاری پیدا نکند شانس ازدواج را از دست می دهد یا خود از ازدواج کردن طفره می رود» (توسلی، ۱۳۸۵: ۲۴۳). در مورد مردان شاغل در بخش دوم باید گفت، چه ایشان ۴۴ ساعت کار در هفته انجام دهند و چه ندهند، چه بیمه باشند و چه نباشند، چه کارشان ثبت شده و رسمی باشد و چه نباشد، چه سختی کار داشته باشند و چه نداشته باشند، در هر صورت درآمد ماهیانه شان آن اندازه نیست که بتوانند حداقل های یک زندگی مشترک را راه بیندازند. تحقیق نشان می دهد ۸۵ درصد مردان شاغل در بخش دوم اقتصادی مجرد می باشند.

علت وضعیت نامناسب مشاغل بخش دوم

در آخر در باب علت یابی وضعیت نامناسب مشاغل بخش دوم از افراد شاغل در بخش دوم اقتصادی پرسش به عمل آمد که ۶۱,۲ درصد اصلی ترین علت را عدم وجود قوانین حمایتی از مشاغل بخش دوم ذکر کردند.

جدول شماره ۵: علت وضعیت نامناسب مشاغل بخش دوم

۶۱,۲ درصد	عدم وجود قوانین حمایتی از مشاغل بخش دوم
۲۵,۷ درصد	وجود همیشگی ارتش ذخیره کار
۸,۳ درصد	سودجویی بیش از حد کارفرمایان
۴,۸ درصد	سایر

شکاف نسلی

بر اساس آمار در سال ۱۳۵۶ آمار بیکاری ۲,۹ درصد بوده است. اما در سال ۱۳۸۹ با افزایش مواجهه و به رقم ۱۴,۶ درصد می رسد (khabaronline.ir). این نرخ بیکاری نیز به زعم بسیاری از کارشناسان ناشی از تغییر در تعریف بیکاری می باشد. «طبق تعاریف بین المللی هر فرد باید روزانه ۸ ساعت به کار اشتغال داشته باشد تا بتوان وی را شاغل کامل محسوب کرد که البته در قانون کار ۴۴ ساعت در هفته مطرح شده است اما اینکه فردی بتواند با ۲ ساعت کار در روز و در مجموع حداکثر ۱۴ ساعت معیشت خود را تأمین کند قابل قبول نیست» (روزنامه مردم سالاری، ۵ مهر ۱۳۹۰). در هر حال نسل جوان حاضر از این بیکاری شدید رنج می برد. در صورتی که نسل جوان سال ۵۷ دچار چنین بیکاری دهشتناکی نبوده است. این نابرابری در دستیابی به شغل به عنوان یک سرمایه مهم اقتصادی و اجتماعی به شکاف نسلی دامن می زند. از سویی نسل جوان امروز احساس می کند نسبت به نسل جوان سال ۵۷ رنج بیشتری نسبت به مسأله شغل متحمل می گردد.

از سویی دیگر امروزه بیشتر مشاغل بخش اول در اختیار نسل های گذشته است و جوان امروز (حتی با تحصیلات بالاتر) را بدان راهی نیست. توزیع نامتعادل و نابرابرانه ی پست ها و مشاغل امروزه به وضوح قابل مشاهده است. حتی در میان افراد شاغل در ادارات و شرکت ها، بخش اعظم جوانان شاغل به صورت پیمانی اند و به استخدام رسمی در

نیامده اند. در صورتی که اکثر افراد شاغل که سن بیشتری دارند استخدام رسمی هستند. این دقیقاً مطابق با نظریه بوردیو است که می گوید جوان بودن فرد به طور ساختاری کیفیت کار وی را نیز پائین می آورد (توکل و قاضی نژاد، ۱۳۸۵: ۱۱۵). جوان باید بسیار منتظر بماند تا به مشاغل با اهمیت دست پیدا کند و این خود موجب احساسی از نابرابری نسلی می گردد. جدول شماره ۶ و ۷ که وضعیت کارکنان یکی از ادارات شهرستان قائم شهر را نشان می دهد چنین فرضی را اثبات می کند. افراد شاغل رسمی میانگین سنی بالاتری از افراد شاغل قراردادی دارند. میانگین سنی کارکنان رسمی ۴۱،۷ سال و میانگین سنی کارکنان قراردادی ۳۱،۹ سال است.

جدول شماره ۶: توزیع سنی کارکنان بر اساس وضعیت شغلی

سن	وضعیت شغلی				
	جمع	۵۰-۵۹	۴۰-۴۹	۳۰-۳۹	۲۰-۲۹
رسمی	۴،۷ درصد	۱۲،۲ درصد	۳۲،۱ درصد	۱۹،۶ درصد	۳۲،۱ درصد
قراردادی	۱۳،۲ درصد	۰،۳ درصد	۳ درصد	۱۴،۹ درصد	۳۱،۴ درصد
جمع	۱۷،۹ درصد	۱۲،۵ درصد	۳۵،۱ درصد	۳۴،۵ درصد	۱۰۰ درصد

جدول شماره ۷: تحصیلات کارکنان بر اساس وضعیت شغلی

جمع	فوق لیسانس	لیسانس	فوق دیپلم	دیپلم	دبیرستان	راهنمائی	ابتدائی	رسمی فراوانی (درصد)
۲۰۶	۲	۱۳	۱۰	۶۷	۱۶	۴۷	۵۱	۱۷،۱ درصد
۶۸،۹ درصد	۰،۷ درصد	۴،۳ درصد	۳،۳ درصد	۲۲،۴ درصد	۵،۴ درصد	۱۵،۷ درصد	۱۷،۱ درصد	۱۷،۱ درصد
۹۳	۱۰	۵۵	۱۱	۱۴	۰	۲	۱	قراردادی فراوانی (درصد)
۳۱،۱ درصد	۳،۳ درصد	۱۸،۴ درصد	۲،۷ درصد	۴،۷ درصد	۰ درصد	۰،۷ درصد	۰،۱ درصد	۰،۱ درصد
۲۹۹	۱۲	۶۸	۲۱	۸۱	۱۶	۴۹	۵۲	جمع فراوانی (درصد)
۱۰۰ درصد	۴،۰ درصد	۲۲،۷ درصد	۷،۰ درصد	۲۷،۱ درصد	۵،۴ درصد	۱۶،۴ درصد	۱۷،۴ درصد	۱۷،۴ درصد

جدول شماره ۷ نشان می دهد افراد شاغل قراردادی که جوان تر می باشند نسبت به افراد شاغل رسمی که مسن ترند تحصیلات بالاتری دارند و این خود به احساس نابرابری بیشتر دامن می زند.

موضوع دیگر "انفجار واحدهای صنفی" است. به طوری که بازار دیگر کشش این مقدار واحدهای صنفی و مغازه و فروشگاه را ندارد. به قول عامیانه در هر کاری دست زیاد شده است و جوان اگر هم بخواهد کاسبی کند و مغازه ای راه بیندازد آن اندازه مغازه و واحدهای صنفی وجود دارد که این عمل هیچ سودی ندارد و به ورشکستگی می انجامد. طبق گزارش مستند واحد اصناف اداره بازرگانی شهرستان قائم شهر (جدول شماره ۸) در شهرستان قائم شهر از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۰ نرخ رشد واحدهای صنفی حدود ۷۲ درصد بوده است. در صورتی که جمعیت شهرستان قائم شهر از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۰ از عدد ۲۹۵۱۳۵ نفر به ۳۰۶۷۳۹ رسیده است (www.amar.org.ir)؛ یعنی رشد ۴ درصدی. این آمار نشان می دهد نرخ رشد واحدهای صنفی در شهرستان در پنج سال اخیر بسیار بیشتر از افزایش جمعیت بوده است. و این یعنی هجوم اجتماعی به سمت مغازه داری به دلیل عدم وجود شغل. همچنین از تقسیم میزان جمعیت شهرستان بر تعداد واحدهای صنفی عدد ۲۲ به دست آمد. یعنی در شهرستان قائم شهر به ازای هر ۲۲ نفر یک واحد صنفی دارای مجوز وجود دارد. این در صورتی است که این عدد (تعداد واحد صنفی بر حسب نفر) در اروپا حدود ۳۰۰ می باشد. این آمار نشان می دهد حتی بازار نیز توسط نسل های گذشته اشباع شده و واحدهای صنفی بزرگ

و معروف شهر که پیشینه زیادی دارند به گونه ای اعتماد عمومی را به خود جلب می کنند که برای واحدهای جدید جایی نمی ماند. با این حال کوشش های کم فروغ برای ورود به این عرصه از جانب نسل های جوان تر ناشی از ناامیدی از کسب شغل می باشد.

جدول شماره ۸: نرخ رشد واحدهای صنفی در پنج سال شهرستان

واحد صنفی	سال
۸۳۳۷	۱۳۸۵
۹۵۳۷	۱۳۸۶
۱۰۶۸۶	۱۳۸۷
۱۱۸۸۷	۱۳۸۸
۱۳۶۷۸	۱۳۸۹
۱۴۳۲۸	۱۳۹۰

نتیجه گیری

در این که مشاغل بخش دوم مشاغلی از لحاظ درآمد، تأمین شغلی و غیره پست تر از مشاغل بخش اول هستند شکی نیست، اما این که مشاغل بخش دوم به جایگاهی تبدیل شود که تحصیلکرده ها و فارغ التحصیلان از سر بیکاری و از روی ناچاری بدان پناه برند جای سوال دارد. در مقاله بدان پرداخته شد که فارغ التحصیلان بیکار ناگزیرند به این گونه مشاغل بپردازند که نه درآمدی دارد و نه تأمین شغلی، این گونه مشاغل برای تأمین هزینه های مشترک کافی نیست و اکثر شاغلان مرد بخش دوم مجردند و با درآمد چنین شغل هایی قادر به تشکیل زندگی نمی باشند. از سویی دیگر نسل جوان امروز که در مقایسه با نسل های گذشته تحصیلات عالی بالاتری دارد لیکن در مقایسه با نسل های گذشته بیشتر از بیکاری رنج می برد و در مقایسه با نسل های گذشته کمتر به منابع ثروت، بازار، پست ها، مشاغل معتبر و مشاغل بخش مرکزی دسترسی دارد. نسل جوان امروز کمتر امکان فعالیت در بازار دارد، زیرا واحدهای صنفی موجود بسیار زیاد هستند. نسل جوان امروز کمتر امکان دسترسی به مشاغل رسمی بخش اول را دارد و حتی آنها که در بخش اول مشغولند اکثرشان قراردادی بوده و به استخدام رسمی در نیامده اند. به این ترتیب نابرابری محسوس در بین دو نسل در بهره گیری از منابع و سرمایه های مختلف وجود دارد که این نابرابری می تواند به فاصله میان نسل ها منجر می گردد.

منابع

۱. آراسته خو، محمد (۱۳۸۶) تأمین و رفاه اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ دوم
۲. باقری، شهلا (۱۳۸۲) اشتغال زنان در ایران (درآمدی بر عوامل موثر بر اشتغال زنان در ۴۰ سال گذشته)، انتشارات روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان
۳. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۵) جامعه شناسی کار و شغل، تهران، انتشارات سمت، چاپ هشتم
۴. تمنا، سعید (۱۳۸۶) مبانی جمعیت شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ سوم
۵. توکل، محمد و قاضی نژاد، مریم (۱۳۸۵) شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه شناختی: بررسی و نقد رهیافت های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظرات مانهایم و بوردیو، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۷، بهار ۱۳۸۵
۶. توکلی خمینی، نیره (۱۳۸۵) جامعه شناسی صنعتی، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ هفتم
۷. جهانفر، محمد (۱۳۸۶) جمعیت شناسی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ چهارم
۸. روشه، گی (۱۳۷۲) تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران، نشر نی، چاپ چهارم
۹. کوزر، لیوئیس (۱۳۸۸) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، چاپ پانزدهم
۱۰. گرب، ج، ادوارد (۱۳۸۱) نابرابری اجتماعی، ترجمه محمد سیاهپوش و احمد غروی زاد، تهران، نشر معاصر، چاپ دوم
۱۱. ملک، حسن (۱۳۸۶) جامعه شناسی قشرها و نابرابری های اجتماعی، تهران، انتشارات علمی، چاپ پانزدهم
۱۲. وبر، مارکس (۱۳۸۷) «دین، قدرت، جامعه»، ترجمه احمد تدین، تهران، انتشارات هرمس، چاپ سوم
۱۳. روزنامه مردم سالاری، سه شنبه ۵ مهر ۱۳۹۰، سال دهم، شماره ۲۷۴۰: «جزئیات تغییر روش محاسبه آمار بیکاران: نرخ بیکاری بهار و تابستان اعلام شد»، صفحه ۴
۱۴. هفته نامه فارغ التحصیلان، یکشنبه ۳ مهر ۱۳۹۰، سال چهارم، شماره ۱۵۵: «بیکاری دانشگاهی ها ده برابر دیپلمه هاست»، صفحه ۱۴

www.amar.org.ir.۱۵

www.khabaronline.ir.۱۶: «بیکاری؛ از نرخ ۲ درصدی تا صعود ۸ درصدی»، شنبه ۲۱ شهریور ۱۳۸۸